

ضرورت گسترش نهادسازی در حوزه هیدروپلیتیک

نویسنده: سعید بخشنده آبکنار (۹۵/۱۰/۱۹)

چکیده

«هیدروپلیتیک را علمی جدید و ترکیبی (چند رشته‌ای) تعریف می‌کنند که در حوضه‌های آبریزی که مرزهای آن در بیش از یک کشور واقع شده است به بررسی توامان مسایل سیاسی و قضایی، همراه با جنبه‌های فنی مرتبط با آب‌های سطحی و زیرزمینی، منابع آب طبیعی و مصنوعی می‌پردازد و به دنبال راه حل‌های قانونی برای چنین مسایلی است.»

هیدروپلیتیک، علمی است کاربردی و مهم، چون آب یک منبع حیاتی و در عین حال محدود است. امروزه دیدگاه رئالیستی از سیاست‌های جهانی بر وجود رابطه‌ای مستقیم بین کمبود منابع و مناقشات تاکید دارد. از همین رو آب مانند نفت تبدیل به یک منبع استراتژیک شده است که با کمیاب تر شدن آن، ملت‌ها رقابت بی رحمانه‌ای را با هم خواهند داشت.

اهمیت این موضوع زمانی بر ما مکشوف خواهد شد که بدانیم نظریه پردازان مطرحی نظیر دکتر پیتر گلیک، که از چهره‌های شناخته شده بین‌المللی در عرصه اقلیم و آب به حساب می‌آید، در باب منابع آب شیرین و امنیت بین‌المللی، اذعان می‌دارد: «در مناطق مشخصی از جهان، نظیر خاورمیانه، آسیای میانه و جنوبی (شبه قاره هند)، آب منبع کمیابی است و اهمیت روزافزونی برای توسعه کشاورزی و اقتصادی می‌یابد. در این مناطق، آب در حال تبدیل شدن به یک موضوع امنیتی (High politics) است و احتمال خشونت‌های مرتبط با آب در حال افزایش است.»

کافی است به این موضوع توجه شود که کشور ما در نقطه اشتراک سه منطقه حساس و بحرانی یاد شده واقع شده است. آنگاه اهمیت وجود نهادهای فنی-حقوقی برای انجام مطالعات و تحقیقات برای ساماندهی و مستندسازی به مباحثی نظیر بررسی و مطالعه تجارب بین‌المللی و همچنین رصد اقدامات کشورهای اطراف و انجام مطالعات آینده‌نگری و نظایر آنها بیش از پیش عیان می‌شود.

ضرورت گسترش نهادسازی در حوزه هیدروپلیتیک

۱. هیدروپلیتیک در گستره تاریخ و ضرورت بازتعریف آن با هدف نهادسازی و سازماندهی در عصر حاضر:

آن‌گاه که سیاست‌ورزان و صاحبان قدرت، در طول تاریخ، مبادرت به تنظیم اسناد تقسیم عادلانه آب نموده‌اند با تکیه بر اصول مهندسی و اقتصاد تلاش کرده‌اند نسبت به تامین حقوق ذی‌نفعان اقدام نمایند. نمونه شناخته شده چنین سندی برای ما ایرانیان، سند تاریخی فرمان حکومتی امیرکبیر برای تقسیم آب کرج است که دقیق‌ترین سند تقسیم آب در دوره قاجار محسوب می‌گردد. این سند مبین کارکرد صلح‌آمیز هیدروپلیتیک در حدود ۱۷۰ سال پیش^۱ برای تقسیم آب رودخانه کرج می‌باشد. لذا هیدروپلیتیک، سابقه تاریخی دارد و موضوعی جدید نمی‌باشد. با این حال، واژه هیدروپلیتیک از سال ۱۹۷۹ به‌طور رسمی وارد فرهنگ لغات علمی و دانشگاهی شده است. در این سال در آمریکا انتشارات دانشگاه سیراکیوز کتابی را که جان واتربری (John Waterbury) تالیف کرده بود با عنوان هیدروپلیتیک دره نیل (Hydropolitics of the Nile Valley) منتشر کرد. لذا این سال مبدأ تاریخی احراز هویت رسمی مباحث هیدروپلیتیک به عنوان علمی جدید تلقی می‌شود. در جهان کمتر کشوری وجود دارد که با کشورهای همجوار خود منابع آبی مشترک نداشته باشد. بنابراین آب منشاء صلح و دوستی بین کشورها باشد و مشترکاً در توسعه آن‌ها ایفای نقش کند. در مقابل، منازعات دو یا چند جانبه نیز می‌تواند به دلیل کم‌آبی و یا ضعف در مدیریت منابع آبی مشترک، بین کشورها اتفاق بیفتد. لذا انجام پژوهش‌های هیدروپلیتیک و تعامل با سایر مراکز مطالعاتی داخلی و خارجی، کشورها را قادر می‌سازد با برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان، منافع منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در سیاست‌های آبی دنبال کنند و نتایج مطالعات هیدروپلیتیک را در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک به کار گیرند.

موضوعی که در عمل موجب شده است بسیاری از کشورها با توجه به اهمیت روزافزون آب برای توسعه، در کمتر از چهار دهه، نسبت به نهادسازی و سازماندهی مراکز علمی و پژوهشی مرتبط با آن مبادرت نمایند. به گونه‌ای که امروزه با جستجو در اینترنت و صرف کمترین وقت، می‌توان مراکز مطالعاتی و پژوهشگاه‌های هیدروپلیتیک مختلفی را در بین کشورهای جهان شناسایی کرد که شکل‌گیری چنین تشکیلاتی با هدف انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی مرتبط با هیدروپلیتیک محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است.

^۱ سال ۱۲۶۷ هجری قمری مصادف با ۱۲۲۹ خورشیدی

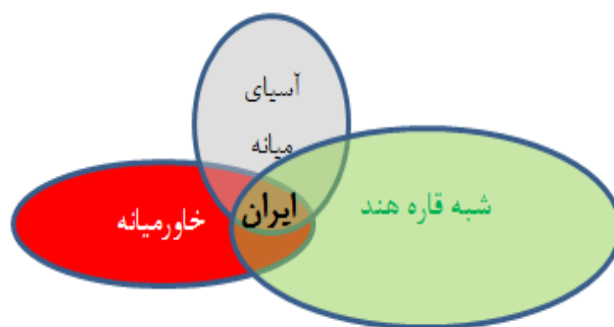
۲. جایگاه علمی هیدروپلیتیک و نقش در مناسبات جدید و اهمیت آن برای کشور ما:

«هیدروپلیتیک را علمی جدید و ترکیبی (چند رشته‌ای) تعریف می‌کنند که در حوضه‌های آبریزی که مرزهای آن در بیش از یک کشور واقع شده است به بررسی توامان مسایل سیاسی و قضایی، همراه با جنبه‌های فنی مرتبط با آب‌های سطحی و زیرزمینی، منابع آب طبیعی و مصنوعی می‌پردازد و به دنبال راه حل‌های قانونی برای چنین مسایلی است.»

هیدروپلیتیک، علمی است کاربردی و مهم، چون آب یک منبع حیاتی و در عین حال محدود است. امروزه دیدگاه رئالیستی از سیاست‌های جهانی بر وجود رابطه‌ای مستقیم بین کمبود منابع و مناقشات تاکید دارد. از همین رو آب مانند نفت تبدیل به یک منبع استراتژیک شده است که با کمیاب تر شدن آن، ملت‌ها رقابت بی رحمانه‌ای را با هم خواهند داشت.

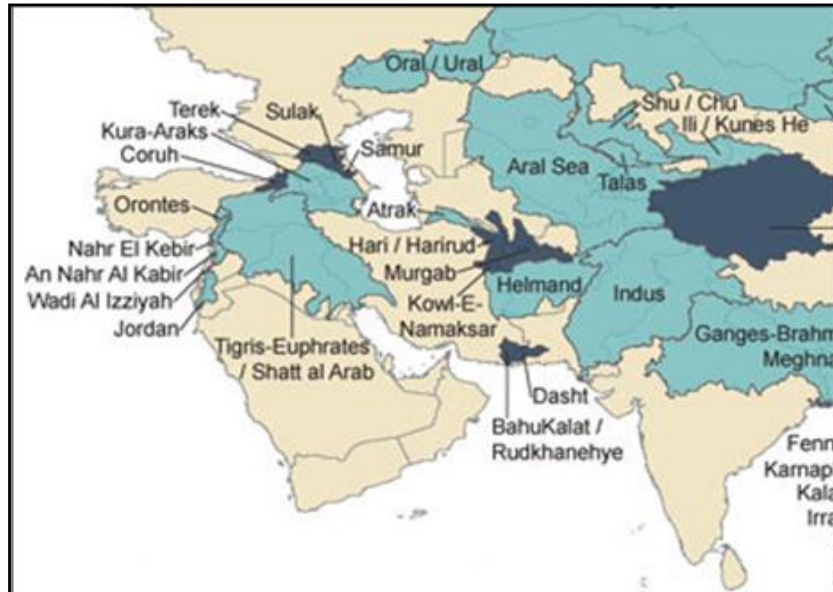
اهمیت این موضوع زمانی بر ما مکشوف خواهد شد که بدانیم نظریه پردازان مطرحی نظیر دکتر پیتر گلیک، که از چهره‌های شناخته شده بین‌المللی در عرصه اقلیم و آب به حساب می‌آید، در باب منابع آب شیرین و امنیت بین‌المللی، اذعان می‌دارد: «در مناطق مشخصی از جهان، نظیر خاورمیانه، آسیای میانه و جنوبی (شبه قاره هند)، آب منبع کمیابی است و اهمیت روزافزونی برای توسعه کشاورزی و اقتصادی می‌یابد. در این مناطق، آب در حال تبدیل شدن به یک موضوع امنیتی (High politics) است و احتمال خشونت‌های مرتبط با آب در حال افزایش است.»

کافی است به این موضوع توجه شود که کشور ما در نقطه اشتراک سه منطقه حساس و بحرانی یاد شده واقع شده است.



تصویر شماره ۱- شمای کلی موقعیت ایران در سه منطقه حساس و بحرانی دارای منابع آبی مشترک

از سوی دیگر بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، خود خطری بالقوه است که صاحب‌نظرانی چون پروفیسور مالین فالکن مارک و دکتر پیتر گلیک را بر آن داشت تا در اوایل دهه ۹۰ میلادی، هشدارهای خود را در خصوص استفاده از منابع آب سطحی و زیرزمینی مشترک و خطر درگیری‌های بین‌المللی، به ویژه بین کشورهای بالادستی و پایین‌دستی، اعلان کنند. این که در جهان ۲۶۳ حوضه آبریز مشترک وجود دارد بدین معنی است که کمتر کشوری در جهان وجود دارد که با کشورهای همجوار خود منابع آبی مشترک نداشته باشد. بنابراین چنانچه روابط دو یا چند جانبه کشورها بر پایه منطق و انصاف باشد، این منابع حیاتی مشترک می‌تواند در خدمت صلح و دوستی بین ملت‌ها و توسعه آن‌ها قرار گیرند. در مقابل، آن گونه که سازمان ملل متحد اخیراً در گزارشی مطرح کرده است مناقشات دوجانبه بین دولت‌ها و یا منطقه‌ای نیز می‌تواند به دلیل کم‌آبی و یا مدیریت ضعیف آبی اتفاق بیفتد.



تصویر شماره ۲- نقشه تعدد حوضه های آبی مشترک در سه منطقه خاورمیانه، آسیای میانه و شبه قاره هند

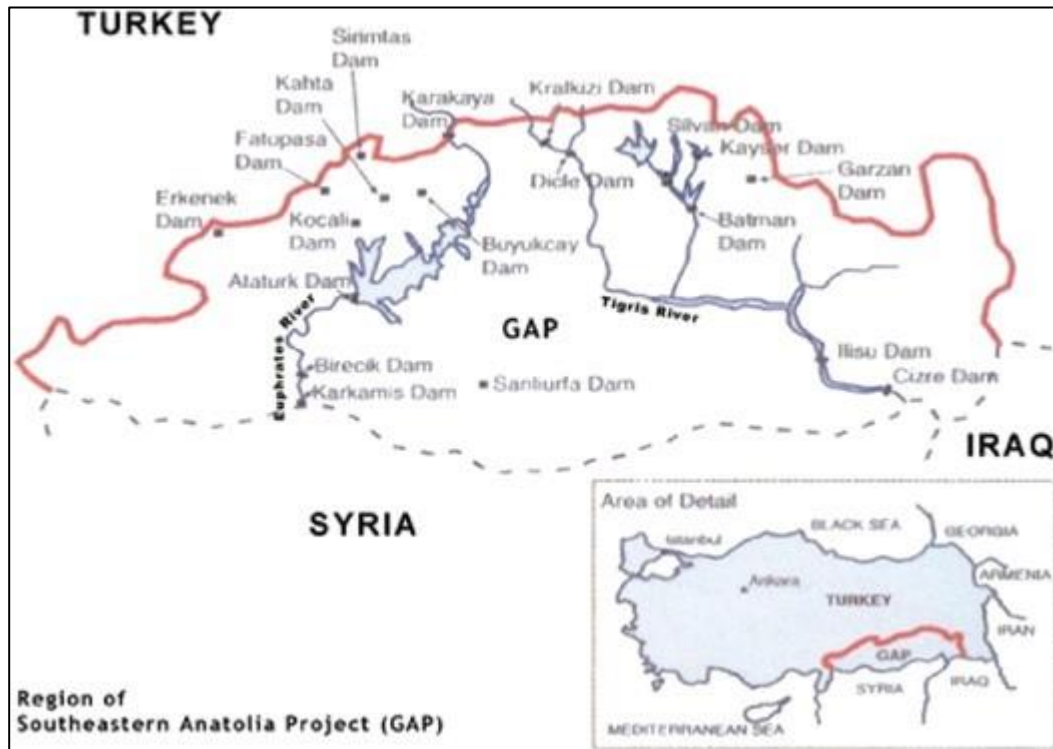
با دقت در نقشه فوق می توان پی برد که یکی از واقعیت های جغرافیایی مناطق خاورمیانه، آسیای میانه و شبه قاره هند، تعدد حوضه های آبریز مشترک بین کشورهای این سه منطقه است. بنابراین چنانچه لایه های مختلف اطلاعات جغرافیایی، اعم از پراکنش جمعیت رو به تزاید در کشورهای منطقه و برنامه های توسعه ای آن ها، حوضه های آبریز مشترک و میزان آب در دسترس، با هم جمع شوند، آنگاه وخامت اوضاع و ضرورت مطالعات هیدروپلیتیکی در سه منطقه یاد شده، برای ما باورپذیر خواهد بود. بی تردید تعاملات و یا مناقشات آبی دو یا چندجانبه، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر منافع ملی و منطقه ای ما اثرگذار خواهد بود و نمی توان نسبت به چنین موضوعاتی بی تفاوت بود.

هم اکنون تاجیکستان ساخت بلندترین سد برقابی جهان را با ارتفاع ۳۳۵ متر و ظرفیت نیروگاهی ۳۲۰۰ مگاوات و تولید برق ۱۳/۳ تراوات-ساعتی که می تواند بخش اعظم برق مورد نیاز آسیای میانه را تامین کند، با مشارکت ایتالیایی ها بر روی رودخانه Rogun در حالی آغاز کرده است که ازبکستان در همسایگی آن، به شدت با احداث چنین سدی مخالفت کرده است و این موضوع به شدت روابط دو کشور را با بحران مواجه کرده است.

از سوی دیگر ترکیه سالهاست پروژه جنوب شرقی آناتولی (موسوم به GAP^۲) را به عنوان یکی از بزرگترین پروژه های توسعه منابع آب در جهان در حوضه آبریز دجله و فرات با هدف احداث ۲۲ سد (۱۴ سد بر روی فرات و ۸ سد بر روی دجله) در ۹ استان جنوب شرقی ترکیه و ۱۹ نیروگاه برقابی (۷۵۰۰ مگا وات شامل ۵۳۰۰ مگاوات بر روی فرات و ۲۲۰۰ مگاوات بر دجله) و آبیاری ۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع (یک پنجم اراضی قابل آبیاری در ترکیه) آغاز کرده است. پروژه ای که تبعات آن بر دو کشور پایین دست این حوضه، یعنی سوریه و عراق موجب شد روابط بین آن ها تیره و تار گردد و حتی

^۲ The Southeastern Anatolia Project (Turkish: Güneydoğu Anadolu Projesi, GAP)

منازعات سالهای اخیر در این دو کشور و تلاشهای صورت گرفته برای تسلط بر تاسیسات و منابع آبی عراق و سوریه را نباید از نظر دور داشت.



تصویر شماره ۳- نقشه موقعیت پروژه جنوب شرقی آناتولی (موسوم به GAP)

همچنین در تحلیل‌های مختلفی که در عرصه بین‌المللی در ارتباط با دلایل وقوع جنگ ۱۹۶۷ ارایه می‌شود، به اختلافات بین اعراب و اسرائیل بر سر حوضه آبریز رود اردن و اقدامات هیدرومترمونیک اسرائیل در این حوضه نیز تاکید می‌شود. در این زمینه می‌توان به نمونه‌های دیگر منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اشاره نمود.

۳. ایجاد نهادهای مطالعاتی و پژوهشی در حوزه هیدروپلیتیک منطقه:

به‌رغم جایگاه هیدروپلیتیک خاصی که کشور ما در منطقه دارد اما برای رصد وضعیت حوضه‌های آبریز مشترک منطقه و مطالعه برنامه‌ها و طرح‌های کشورهای این حوضه‌ها وجود ندارد و صرفاً اطلاعات عمومی و محدودی در حد اخبار منتشر شده توسط خبرگزاری‌ها در دسترس می‌باشد. از این‌رو به سبب فقر اطلاعات تخصصی، امکان تحلیل به‌موقع از هیدروپلیتیک منطقه و اندرکنش آب و امنیت منطقه وجود ندارد. به‌واقع، در چنین شرایطی، واکنش به تحولات منطقه‌ای، عکس‌العملی در برابر عمل انجام شده خواهد بود. بنابراین با توجه به خلاء فعلی ضروری است «نهادهای مطالعاتی و پژوهشی در حوزه هیدروپلیتیک منطقه» ایجاد شوند و در بین فعالیتهای مطالعاتی و پژوهشی، جایگاهی نیز برای مطالعات و تحقیقات هیدروپلیتیک منطقه در نظر گرفته شود تا با استفاده از افرادی خبره، نسبت به گردآوری اطلاعات و ساماندهی وضع موجود

مبادرت شود و با انجام مطالعات پژوهشی تخصصی و مستند نمودن آن‌ها، امکان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک را برای دستگاه‌های ذی‌ربط میسر سازند.

در این مسیر باید توجه داشت چنانچه چنین نهادهایی دایر شوند به سبب استراتژیک بودن این موضوع می‌توانند پروژه‌های مطالعاتی و پژوهشی را برای نهادهایی نظیر نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه، وزارت نیرو و ... انجام دهند.

قطعاً امکانات، ارتباطات و حمایت‌های مادی و معنوی از این نهادها می‌تواند موجبات ظهور مجموعه‌هایی را فراهم آورد که در صورت سازماندهی درست و پویایی، در زمانی کوتاه با حضور چهره‌های علمی و دانشگاهی و پشتیبانی از رساله‌های دانشگاهی و تعریف پروژه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی، به استقلال مالی برسند و نه تنها در داخل کشور برای چنین موضوع مهمی، منشاء اثر باشند بلکه برای کشورهای منطقه نیز مراجع و مراکزی قابل احترام مبدل شوند و کشورهای دیگر نیز در این منطقه پرآشوب می‌توانند به اقتدار این مراکز هیدروپلیتیک تکیه کنند و تعاملات مشابهی نیز با ایشان برقرار شود. حضور در رسانه‌ها و همچنین استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی و گشودن پنجره‌های نو و مطرح کردن مباحثی که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است می‌تواند با استقبال سیاست‌ورزان، مدیران و اندیشمندان این آب و خاک همراه باشد. این گونه توجهات می‌تواند شتاب بیشتری را برای تقویت همه جانبه این نهادها به همراه داشته باشد و موجب جبران تاخیر در تاسیس و راه‌اندازی چنین مجموعه‌های در مقایسه با برخی از نمونه‌های باسابقه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردد.

امید است این مهم در کوتاه‌ترین زمان ممکن، محقق شود تا با مطالعه و پژوهش و تصمیم‌سازی‌های مناسب، امکان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک در نهادهای مرجع میسر گردد.